



## تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسّی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶

جلسه هفتاد و پنجم؛ یکشنبه ۱۳/۱۲/۱۳۹۶

### بررسی و نقد کلام محقق اصفهانی رحمته الله علیه

اولاً: محقق اصفهانی رحمته الله علیه فرمود: اگر شرط تأجیل بالزیادة مساسی به قرض داشته باشد، ربا است؛ زیرا در روایات وارد شده است «جاءَ الرِّبَا مِنْ قَبْلِ الشُّرُوطِ». بنابراین اگر در عقد دیگری فضلاً از عقد اول، اشتراط تأجیل بالزیادة شود، ربا می باشد.

اما حقیقت آن است که چنین مطلبی با این اطلاق و گستردگی از روایات استفاده نمی شود. بله، همان طور که گفتیم روایات متعددی وجود دارد که بیان می کند «جاءَ الرِّبَا مِنْ قَبْلِ الشُّرُوطِ إِنَّمَا يُفْسِدُهُ الشُّرُوطُ» یا «إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمَا شَرْطٌ» و امثال این تعابیر، و اطلاق این روایات را نسبت به هر شرطی که موجب زیادت شود قبول کردیم، متنها این روایات از حیثی مضیق هستند و اطلاق ندارند؛ زیرا با ملاحظه سیاق این روایات، استفاده می شود مراد جایی است که این شروط در ضمن معامله اجناس ربوی یا قرض باشد؛ مثلاً روایت «جاءَ الرِّبَا مِنْ قَبْلِ الشُّرُوطِ إِنَّمَا يُفْسِدُهُ الشُّرُوطُ» که تعبیرش اوسع از بقیه روایات بود، سیاقش در مورد کسی است که [دراهمی را قرض گرفته و بعداً اضافه برمی گرداند که مفهوم جواب حضرت آن است که زیادت در عقد قرض اگر از ناحیه شرط باشد مانع دارد] اما اگر زیاده در عقد دیگری واقع شود که مربوط به قرض نیست و نتیجه اش آن باشد که مقداری قرض را تأخیر بیندازد، چنین زیاده ای مشمول آن روایات نیست؛ چراکه این شرطی است که در ضمن بیع ذکر شده است؛ نه در ضمن عقد قرض، مانند اینکه کتابش را به صد هزار تومان به مشتری بفروشد به شرط اینکه دینی را که بر عهده مشتری است و سررسید آن ماه آینده است، تا آخر سال تأخیر بیندازد.

[شاهد این مطلب هم آن است که] اگر بایع تصریح کند که این کتاب را به تو گرانتر می‌فروشم به شرط اینکه قرضی را که به تو داده‌ام و سررسید آن ماه آینده است، **مجاناً** تا آخر سال تأخیر بیندازم، چنین شرطی موجب تناقض نمی‌شود. پس معلوم می‌شود آنچه وارد شده است که ربا از ناحیه شرط است، مراد شرط در همان عقدی است که انجام شده و قابلیت ورود ربا در آن وجود دارد؛ یعنی شرط در ضمن عقد قرض یا بیع اجناس ربوی.

**ثانیاً:** در مورد تمسک به روایاتی که در شأن نزول آیه شریفه وارد شده که محقق اصفهانی رحمته الله علیه فرمود اگر تأجیل بالزیادة بعد از تثبیت بیع شرط شود همان ربای محرم است، اما اگر در همان عقد اول شرط شود، آیه شریفه دال بر بطلان آن نمی‌باشد؛ زیرا در این کریمه، تقابل بین بیع و ربا قرار داده شده است اما در ما نحن فیه، تقابل بین «بیع بزیادة بلا شرط» و «بیع بزیادة بشرط» است. می‌گوییم: به نظر ما همان «فتدبر»ی که ایشان ذکر کردند تمام است و همان‌طور که گفتیم ظاهراً اشاره به این مطلب است که مانعی ندارد همین بیع بشرط زیاده، در لسان شارع و در میان عرف، ربا باشد.

البته جواب دیگری هم در اینجا وجود دارد که قبل از بیان آن، این مطلب را تذکر دهیم که محقق اصفهانی رحمته الله علیه در اینجا به شدت دفاع کردند از اینکه تأجیل بالزیادة در صورتی که در عقد واحد شرط شود، مانعی ندارد. منتها خود ایشان در چندین صفحه قبل در ذیل مسئله‌ای که مرحوم شیخ رحمته الله علیه بیان فرمودند که اگر کسی چیزی را نقداً به مبلغ کمتر و نسبتاً به قیمت بیشتر بفروشد - مثلاً بایع بگوید این کتاب را نقداً به دو درهم و نسبتاً به سه درهم می‌فروشم - تصریح کردند که معنای عرفی‌اش آن است که اگر تأخیر کردی، باید این مقدار بیشتر بدهی، و این شرط زیادت است در صورت تأخیر و ظاهراً خلافی نیست در اینکه باطل می‌باشد.<sup>۱</sup> اما محقق اصفهانی رحمته الله علیه در ما نحن فیه می‌فرماید: شرط زیادت در بیع اول، ربا و باطل نیست. بله اگر شرط زیادت در عقد دیگری ذکر شود و یا اینکه عقد اول قرض باشد، شرط زیادت ربا و حرام است؛ زیرا روایت مبارکه می‌فرمود: «مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئاً يَقُولُ اللَّهُ فَلَكُمْ رُؤْسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» و از آن استفاده می‌شود اگر بیشتر از رأس المال به طلبکار برسد، ربا بوده و باطل است و در جایی شرط تأجیل بالزیادة، زائد بر رأس المال محسوب می‌شود که توسط عقدی، چیزی تثبیت شده باشد تا رأس المال معلوم باشد و یا در عقد قرض باشد که باید مثلش برگردانده شود و زیادت ولو با شرط جایز

۱. سید یزدی رحمته الله علیه نیز در آن مسئله زیادت به نحو شرط را به سه شق تقسیم کرده است - که تشقیقات خوبی است و نظیر تشقیقاتی است که ما در اینجا ذکر کردیم - و در نهایت همه را ربا و حرام می‌دانند.

نیست، اما رأس المال در بیع اول، آن بدلی است که در مقابل مبیع قرار داده می‌شود با تمام شروطی که دارد، لذا اگر تأجیل بالزیادة در عقد اول شرط شود، جزء رأس المال می‌باشد نه زائد بر آن؛ مثلاً اگر کسی کتابش را به صد درهم بفروشد و در همان عقد شرط کند که اگر تأخیر انداختی باید پنجاه درهم اضافه بدهی، رأس المال بایع در اینجا صد درهم است همراه با شرط زیادت پنجاه درهم در صورت تأخیر تا ماه بعد. پس در این فرض چیزی زائد بر رأس المال به بایع نمی‌رسد تا بگویی ربا و حرام است، بلکه رأس المال او چیزی است که در ذاتش اضافه است.

ممکن است در اینجا کسی بر کلام محقق اصفهانی<sup>رحمته</sup> اشکال کند که بدل مبیع، زمانی رأس المال بایع می‌شود که عقد صحیح باشد؛ یعنی بعد از صحّت عقد اول، بدل مبیع رأس المال بایع است؛ چراکه مبیع داخل در ملک مشتری شده و ثمن داخل در ملک بایع می‌شود و رأس المال او محسوب می‌شود، در حالی که بحث ما در اینجا آن است که آیا چنین بیعی صحیح است یا باطل می‌باشد؟ پس چطور شما مفروض می‌گیرید که ثمن همراه با شرطش، رأس المال بایع است؟! لذا بهتر است چنین گفته شود که موضوع حکم به حرمت زیاده در صحیحۀ مبارکه، دین است که رأس المال در آن مشخص است و می‌فرماید بر این دین رأس المال، اضافه نباید کنید، در حالی که در بیع فرض آن است که مثلاً کتابی را می‌فروشد و اصلاً دینی وجود ندارد. مضافاً به اینکه فرضاً اگر گرانت از قیمة المثل بفروشد و صادق باشد اضافه بر رأس المال گرفته، باز ربا نیست و لذا حتّی اگر مثلاً گندم در ذمه بدهکار را که قیمة المثل آن معلوم است، بیشتر از قیمة المثل بفروشد هر چند نسیئة، ربا نیست و مصداق بیع الدین علی من هو علیه می‌باشد.

بنابراین با توجه به توضیحاتی که بیان کردیم به نظر می‌آید اصل کلام محقق اصفهانی<sup>رحمته</sup> در اینجا صحیح است که اگر تأجیل بالزیادة در ضمن عقد اول شرط شود، احراز نمی‌شود اضافه بر رأس المال باشد و در نتیجه نمی‌توانیم بگوییم ربا است. پس اینکه خود ایشان در چندین صفحه قبل تسلیم شده‌اند که شرط تأجیل بالزیادة در ضمن عقد اول موجب ربا می‌شود و مرحوم شیخ<sup>رحمته</sup> و نیز اکثر قریب به اتفاق کسانی که بر مکاسب حاشیه دارند، پذیرفته‌اند که ربا می‌شود، صحیح نیست؛ زیرا همان‌طوری که خود محقق اصفهانی<sup>رحمته</sup> در اینجا فرمودند - البته با تقریبی که ما از کلام ایشان بیان کردیم - احراز نمی‌شود که این شرط، اضافه بر رأس المال باشد.

**ثالثاً:** اینکه محقق اصفهانی<sup>رحمته</sup> فرمودند اگر عقد بیع تثبیت شده باشد و «تأجیل بالزیادة» در ضمن عقد دیگری شرط شده باشد و یا اینکه در ضمن عقد قرض شرط شده باشد، موجب ربا بوده و حرام است. در

بررسی و نقد این قسمت از کلام ایشان می‌گوییم:

اگر «تأجيل بالزیادة» در ضمن خود عقد قرض شرط شده باشد، کلام ایشان تمام است و چنین قرضی مشتمل بر ربا است، و این مطلب می‌تواند جزء بدیهیات فقه باشد که روایات هم بر آن دلالت می‌کرد. اما در غیر عقد قرض اگر تأجيل بالزیادة بعد از تثبیت بیع، در ضمن عقد دیگری شرط شده باشد می‌گوییم: ایشان مناسب بود تذکر می‌دادند در صورتی اشتراط تأجيل در ضمن بیع دوم، زائد بر رأس المال محسوب می‌شود که آن بیع محاباتی باشد؛ یعنی طلبکار متاعی را به قیمتی بیشتر از ثمن المثل فروخته باشد و در ضمن آن تأجيل طلب خود را شرط کرده باشد، اما اگر بیع دوم به ثمن المثل و یا حتی کمتر از آن باشد، دیگر تأجيل بالزیادة صادق نیست، مانند اینکه طلبکار کتابی را که صد درهم ارزش دارد، به نود درهم بفروشد و در ضمن آن شرط کند دینی را که به عهده خریدار دارد، یک سال تأخیر بیندازد که در این صورت تأجيل بالزیادة صادق نیست. بنابراین محقق اصفهانی رحمته الله مناسب بود این مطلب را تذکر می‌دادند که این در حقیقت اساساً تأجيل بالزیادة نیست و مشمول ادله قرار نمی‌گیرد.

رابعاً: اگر مقصود ایشان بیع محاباتی بوده باشد، خدمت ایشان می‌گوییم: اضافه بر رأس المال شدن که در صحیح محمد بن مسلم داشت «لا بأس ما لم يزدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئاً يَقُولُ اللَّهُ فَلَکُمْ رُؤْسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» آیا مراد رأس المال کلی آن فرد است یا رأس المالی که در آن معامله بوده است؟ معلوم است که مقصود رأس المال کلی فرد نیست؛ زیرا کسی که تأجيل بالزیادة را شرط می‌کند می‌تواند خودش کاسبی کند و رأس المالش را اضافه کند. بنابراین مراد رأس المالی است که در همان مبادله یا قرض بوده است. با توجه به این مطلب می‌گوییم:

وقتی کسی کتابی را که صد درهم ارزش دارد به صد و پنجاه درهم می‌فروشد و در ضمن آن شرط می‌کند قرضی را که ماه آینده سررسید آن است تا پایان سال تمدید کند، در این صورت چیزی بر رأس المال قرض اضافه نمی‌شود، بلکه به رأس المال دیگری از آن فرد اضافه می‌شود که ربطی به رأس المال قرض ندارد، آن هم علی فرض آنکه صادق باشد با این معامله بر رأس المالش افزوده شده است. پس حتی در دین ناشی از قرض، چیزی به رأس المال قرض اضافه نمی‌شود، چه رسد به دینی که ناشی از غیر قرض باشد. شاهد این مطلب هم همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم آن است که اگر بایع بگوید کتاب صد درهمی را به صد و پنجاه درهم می‌فروشم به شرط اینکه قرضی را که داده‌ام یک سال دیگر مجاناً و بلا وجه تمدید کنم، منجر به تناقض نمی‌شود، در حالی که اگر تأجيل بالزیادة بود، تصریح به مجانی بودن باید منجر به

تناقض می‌شد.

بنابراین زیاده‌ای منجر به ربا می‌شود که در همان قرض یا معامله‌ای باشد که دین در آن ثابت می‌شود، اما اگر زیادت در عقد دیگری باشد و دین را مجاناً تمدید کند، این صورت دیگر مشمول روایت نیست. لامحاله اطلاق فرمایش محقق اصفهانی رحمته الله علیه که فرمودند اگر تأجیل بالزیادة در عقد دوم شرط شود ربا است، تمام نمی‌باشد. بله، در برخی موارد می‌تواند ربا باشد، مثل اینکه در عقد دوم چنین شرط شود که طلب بیع سابق را در مقابل فلان مبلغ اضافه تمدید کند که این مشمول «مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئاً» می‌شود و شاید هم مقصود محقق اصفهانی همین صورت باشد.

والحمد لله رب العالمين

جواد احمدی